



قواعد قرآنی جهاد تبیین با تأکید بر قاعده ایمان، امید و امیدآفرینی براساس بیانات مقام معظم رهبری

یداله محمودی^۱، حسین امیری^۲

۱- عضو هیأت علمی و استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه امام حسین علیه السلام

۲- مدرس و عضو کمیته فقه و حقوق گروه معارف اسلامی دانشگاه امام حسین علیه السلام

چکیده

یکی از قواعد قرآنی که از عرصه های جهاد تبیین است و در فرمایشات مقام معظم رهبری بر آن زیاد تأکید شده است قاعده ایمان، امید و امیدآفرینی می باشد. در تعداد زیادی از آیات کلام الله مجید به این موضوع اشاره شده است. مستندات این قاعده آیات نورانی قرآن و روایات معصومین علیهم السلام می باشد. ایمان و امید از مفاهیم کانونی ادیان الهی از جمله اسلام می باشد که نقش تعیین کننده ای در سعادت انسان دارد و وابسته به هم و لازم و ملزوم یکدیگر هستند. کاربرست این قاعده آثار و برکات زیادی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد که در این نوشتار بدان پرداخته می شود. تحقق و اجرای این قاعده عوامل و الزامات متعددی را می طلبد که با الهام از فرمایشات مقام معظم رهبری در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به اینکه قبلاً تحقیق مستقلی در این موضوع صورت نگرفته است اهمیت و ضرورت این بحث احساس می شود. روش تحقیق بصورت کتابخانه ای بوده و علاوه بر آن از نرم افزارهای علوم اسلامی نیز استفاده شده است.

واژگان کلیدی: جهاد تبیین، ایمان، امید، امیدآفرینی، مقام معظم رهبری



مقدمه

ایمان و امید به هم وابسته و لازم و ملزوم یکدیگرند و انسان مؤمن امیدوارترین، خوش بین ترین و آینده نگرترین فرد است و از بدبینی و ملالت و بی تابی بدور می باشد. مطابق فرمایش مقام معظم رهبری جهاد تبیین یکی از واجبات است، این نوع از جهاد مهمترین حربه و سپر در مقابل تحریف واقعیتها و وارونه جلوه دادن حقایق توسط دشمن است. برای نهادینه کردن جهاد تبیین اصول و قواعد متعددی را می شود تأسیس نمود که یک نمونه از آن قاعده «ایمان، امید و امیدآفرینی» است. در آیات قرآن کریم و روایات نورانی اهلبیت علیهم السلام به این موضوع خیلی اهمیت داده شده است که از جمله از نشانه های بارز بی ایمانی یأس و ناامیدی از رحمت الهی می باشد. از جمله گناهان کبیره است و وعده عذاب به آن داده شده است. ایمان و باور، پایه و اساس همه اعتقادات و احکام الهی می باشد؛ چراکه ایمان یعنی: اعتقاد به بالاترین نیرو که این جهان را اداره می کند. چیزی از وی پنهان نمی ماند و هیچ چیز نمی تواند او را عاجز و درمانده سازد. ایمان یعنی: اعتقاد به نیرو و قدرتی بی حد و مرز و رحمتی نامتناهی و سخاوتی نامحدود. ایمان یعنی: اعتقاد به خدای توانای مهربان. اگر درمانده ای وی را بخواند، اجابتش می کند و گرفتاریهایش را برطرف می سازد. به وفور می بخشد و ارزانی می دارد و گناهان را می بخشاید و توبه بندگانش را می پذیرد و از بدی ها در می گذرد.

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)

۱. تبیین مفهوم قاعده

یکی از اصول و قواعد مهم در عرصه جهاد تبیین قاعده ایمان، امید و امیدآفرینی می باشد. ایمان و امید و در نتیجه آن امیدآفرینی رابطه تنگاتنگی باهم دارند؛ چون ایمان بدون امید هیچ ارزشی ندارد و امید به خدای متعال نیز بدون ایمان متصور نیست. یکی از مفاهیم و کلمات کلیدی در فرمایشات مقام معظم ایمان و امید می باشد که در بیاناتشان در مراسم ارتحال حضرت امام خمینی (ره) علیه آنها را از ویژگیهای برجسته بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران برشمردند. و «ایمان» و «امید» امام، راعامل نرم افزاری و بوجود آورندهی این تحولات عظیم تاریخی دانستند. (بیانات در مراسم ارتحال حضرت امام (ره)، ۱۴/۰۳/۱۴۰۲) ایمان از مفاهیم کانونی ادیان الهی از جمله اسلام می باشد که نقش تعیین کنندهای در سعادت انسان دارد. ایمان در دو معنا به کار رفته است: ۱ - اعتقاد به امامت و ولایت ائمه دوازده گانه ۲ - در کلمات فقها گاهی ایمان به معنای اسلام نیز آمده است (عاملی، ۱۴۱۳ق) واژه ایمان از ریشه «أمن» گرفته شده است که فعل ثلاثی مجرد آن «أمن، یأمن، وأمناً» به معنای آرامش و اطمینان قلب و نبود ترس است. فعل ثلاثی مزید آن «أمن، یؤمن و ایماناً» است، که اگر متعدی به «با و لام» باشد به اتفاق اهل لغت به معنای تصدیق کردن است. و به همین معناست آیه (وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا) (یوسف/۱۷) ای: بمصدق. (فراهیدی، ۱۴۱۰) (ابن فارس، ۱۴۰۴ق) و اما اگر متعدی به ذات خود باشد به معنای اطمینان پیدا کردن است که در برابر ترسیدن و هراسان کردن است و در این صورت با ثلاثی مجرد هم معنا است. امام خمینی حقیقت ایمان را علمی می دانند که به مرتبه قلب و وجدان رسیده و همراه



با اطمینان، انقیاد و خضوع باشد. (امام خمینی، ۱۳۸۲)

علامه طباطبایی در تعریف ایمان می‌فرماید: ایمان عبارت است از سکون و آرامش علم خاص در نفس، نسبت به هر چیزی که ایمان به آن تعلق گرفته و لازمه این آرامش، التزام عملی نسبت به آن چیز است که به آن ایمان دارد. (طباطبائی، ۱۳۷۴)

متعلق ایمان چیست؟ ایمانی که دین به سوی آن دعوت می‌کند عبارت است از التزام به آنچه که اعتقاد حق درباره خدا و رسولانش و روز جزا و احکامی که پیغمبران آورده‌اند، اقتضا دارد.

امید در زبان عربی و فرهنگ دینی با کلمه «رجا» و در مقابل آن واژه‌های «یأس» و «قنوط» به معنای ناامیدی و تشویش خاطر و اضطراب نفس آمده است. امام صادق (ع) در حدیث جنود عقل و جهل، «رجا» و امیدواری را یکی از لشکریان عقل، و مقابل آن را «قنوط» و نومیدی که از لشکریان جهل و شیطان است دانسته، می‌فرماید: «الرَّجَاءُ وَضِدُّهُ الْقُنُوطُ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق)

امیدواری و ضد آن نومیدی است. امید همیشه هم‌نشین مفاهیمی چون، آرامش، نشاط، آرزومندی، عشق و حرارت و جرأت و جسارت و کار و تلاش است، امید افق آینده را برای انسان روشن و شوق‌آفرین می‌کند، اما یأس و ناامیدی هم‌نشین اضطراب، تردید، سردی و افسردگی، آینده را تاریک و مبهم و هراس‌انگیز و غیرقابل پیش‌بینی دیدن و منشأ بیم از ورود به میدان‌ها و بی‌نشاطی و سستی در کارهاست.

۲. مستندات قاعده

الف - و از آنجا که روش قرآن، این است که روح امید و امیدواری را در انسان زنده نگه دارد؛ همیشه، درها را به روی کافران و گنهکاران باز می‌گذارد، تا در هر مرحله‌ای از فساد و آلودگی که باشند بتوانند به راه حق برگردند، در آیه بعد می‌افزاید: «اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، امید است از رستگاران باشد» فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ».

راه نجات شما، در سه جمله خلاصه می‌شود: بازگشت به سوی خدا، ایمان و عمل صالح، که به دنبال آن مسلماً «نجات و فلاح و رستگاری» است. تعبیر به «عسی» (امید است) با این که: کسی که دارای ایمان و عمل صالح باشد، حتماً اهل فلاح و رستگاری است، ممکن است به خاطر این باشد که: این رستگاری، مشروط به بقاء و دوام این حالت است، و از آنجا که دوام و بقاء در مورد همه توبه‌کنندگان، مسلم نیست، تعبیر به «عسی» شده است. بعضی از مفسران نیز گفته‌اند: این تعبیر (عسی) هنگامی که از شخص کریم صادر شود، مفهوم آن قطعی بودن مطلب است، و خداوند «أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ» است.

ب) خداوند رحمان بندگان گناهکار خود را با ایجاد امیدواری به رحمت خویش و ضمانت مغفرت و بخشش آن‌ها به راه مستقیم دعوت می‌کند: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر: ۵۳)؛ بگو: ای بندگان من که [با ارتکاب گناه] بر خود زیاده‌روی کردید! از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.



تفسیری: در این آیه به رسول خدا (ص) دستور می‌دهد تا مردم کافر را از طرف خداوند و با لفظ «یا عبادی؛ ای بندگان من» صدا بزنند... [و این نوعی] ترغیب آنان به پذیرفتن دعوت است. این تعبیر [عاطفی] ایشان را برمی‌انگیزد تا به ذیل رحمت و مغفرت او متمسک شوند.

«أَسْرِفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ» کلمه «أسرفوا» از مصدر «اسراف» و اسراف به معنای تجاوز از حد در هر عملی است که کسی انجام دهد، هر چند که در خصوص خرج کردن مال مشهورتر است، ... و اسراف بر نفس تعدی بر نفس به جنایت کردن و به ارتکاب گناه است چه شرک باشد و چه گناهان کبیره و چه گناهان صغیره. «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» قنوط به معنای ناامیدی است، و مراد از «رحمت» در آیه مورد بحث به قرینه اینکه خطاب و دعوت در آن به گناهکاران است، ... مغفرت (بخشش الهی) است، و به همین جهت نهی از نومیدی را با جمله «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» تعلیل آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج) قرآن کریم با لحاظ قدرت مطلق الهی و تکیه بر «فرج بعد از شدت» روح امید را در بندگان خدا زنده می‌کند. از قول جناب یعقوب خطاب به فرزنداناش می‌فرماید: «يَا بَنِي آدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يِيَّاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷)؛ ای پسران من، بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید، که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.

تفسیری: کلمه «رُوح» به معنای نَفَس و یا نفس خوش است، هر جا استعمال شود کنایه است از راحتی، که ضد تعب و خستگی است، و وجه این کنایه این است که شدت و بیچارگی و بسته شدن راه نجات در نظر انسان نوعی اختناق و خفگی تصور می‌شود، هم چنان که مقابل آن یعنی نجات یافتن به فراخنای فرج و پیروزی و عافیت، نوعی تنفس و راحتی به نظر می‌رسد، و لذا می‌گویند خداوند «يَفْرِجُ الْهَمَّ وَ يَنْفِسُ الْكَرْبَ»؛ اندوه را به فرج، و گرفتاری را به نفس راحت مبدل می‌سازد، پس رُوحی که منسوب به خداست همان «فرج بعد از شدت» است که به اذن خدا و مشیت او صورت می‌گیرد. و بر هر کس که ایمان به خدا دارد لازم و حتمی است به این معنا معتقد شود که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد و به هر چه اراده کند حکم می‌نماید، و هیچ قاهری نیست که بر مشیت او فائق آید و یا حکم او را به عقب اندازد، و هیچ صاحب ایمانی نمی‌تواند و نباید از روح خدا مأیوس و از رحمتش ناامید شود؛ زیرا یاس از روح خدا و نومیدی از رحمتش در حقیقت محدود کردن قدرت او، در معنا کفر به احاطه و سعه رحمت اوست، همچنان که در آنجا که گفتار یعقوب (ع) را حکایت می‌کند می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يِيَّاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»؛ زیرا از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند مگر مردمی که کافرنند، و به این معنا ایمان ندارند که خداوند توانا است تا هر غمی را زایل و هر بلایی را رفع کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج) نکته دیگر اینکه: جناب یعقوب به فرزنداناش نفرمود بنشینید دعا کنید تا برادران شما پیدا شوند؛ بلکه فرمود برخیزید و بروید و جستجو کنید که امید به رحمت الهی منافاتی با تلاش و حرکت ندارد. او با اعتقاد به اینکه در اوج عجز و نبود چاره، باز هم نباید از قدرت و رحمت خدا غافل و مأیوس بود. (قرآنی، ۱۳۸۸)

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر، ایمان را شرط پیروزی و برتری و امید و امیدواری می‌داند و می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا»



وَ أَنتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)؛ ترسید و اندوهگین نباشید که شما برتر هستید اگر مؤمن باشید. نکته تفسیری: آیه شریفه می‌خواهد بفهماند مسلمانان اگر ایمان داشته باشند نباید در عزم خود سست شوند، و نباید به خاطر اینکه [اگر در مواردی] بر دشمنان ظفر نیافته‌اند و نتوانسته‌اند از آنان انتقام بگیرند وندوهناک گردند؛ برای اینکه ایمان امری است که با علو قرین و توأم است، و به هیچ وجه ممکن نیست مسلمانان با حفظ ایمان خود زیر دست کفار واقع شوند، چون ایمان ملازم با تقوا و صبر است، و ملاک فتح و ظفر هم در همین دو است. (طباطبایی، ۱۳۷۴)

امیدبخش ترین آیات قرآن

بشربن شریح

بصری گوید: به امام باقر (ع) گفتم: کدام یک از آیات در کتاب خدا نزد شما امیدبخش تر است؟! حضرت فرمودند: قوم شما در این مسئله چه می‌گویند؟! من عرض کردم: می‌گویند این آیه: «يَا عِبَادِ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ (زمر: ۵۳)؛ ای بندگان من که بر جان‌های خود اسراف ورزیده‌اید، از رحمت خدا ناامید نباشید که خداوند جمیع گناهان را می‌آمرزد». حضرت فرمودند: اما ما اهل بیت این را نمی‌گوییم. من عرض کردم: پس شما در این امر چه می‌فرمایید؟! حضرت فرمودند: این آیه که: «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ (الضحى: ۵)، الشَّفَاعَةُ وَاللَّهُ الشَّفَاعَةُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق) و هر آینه به زودی خداوند به تو ای پیامبر آن قدر می‌بخشد، تا تو راضی خواهی شد. شفاعت است، و الله شفاعت است. و الله شفاعت است»؛ یعنی امیدوارترین عامل امید و نجات انسان شفاعت پیامبر خیر و رحمة للعالمین است که حق تعالی به صورت مطلق دست او را برای شفاعت و نجات امت باز گذاشته است. (حسینی تهرانی، ۱۳۸۷)

رسول خدا

۳. اهمیت امید به رحمت الهی

(ص) فرمود: «اگر اندازه رحمت خدا را بدانید بر آن تکیه خواهید کرد و جز اندکی عمل نخواهید کرد. [ملاک موفقیت و کمال یابی را رحمت خدا قرار می‌دادید و نه کثرت عمل خود]». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷) در بیانی دیگر می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الرَّحْمَةِ مَا قَنَطَ مِنَ الْجَنَّةِ أَحَدٌ». «اگر کافر بداند در نزد خدا چه دریاهایی از رحمت است، احدی از رسیدن به بهشت دچار یأس و ناامیدی نمی‌شد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷) امام علی (ع) فرمود: «شما را به پنج چیز سفارش می‌کنم که اگر برای رسیدن به آن‌ها بر پشت شتران بنشینید و به همه آفاق سفر کنید، شایسته و بجاست [یکی از آن‌ها این است: [هیچ یک از شما جز به پروردگار خویش امید نبندد و جز از گناه خود نترسد. (شریف رضی، ۱۴۱۴ق)

الف) ناامید کردن مردم از آینده و رحمت الهی در جامعه بزرگ‌ترین گناه

از کارهای منافقین در زمان پیامبر (ص) ناامید کردن مردم و خالی کردن دل آن‌ها، و کم نشان دادن قدرت و موفقیت مسلمانان، و قوی و موفق نشان دادن دشمنان بود، همین کاری که امروز هم منافقین داخلی نسبت به نظام اسلامی انجام می‌دهند. این ناامیدسازی به قدری خطیر و خطرناک است که خداوند سبحان خطاب به پیامبر (ص) فرمود: «لَئِن كُنتُمْ يَتَنَّهُ الْمُتَنَفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا». (احزاب: ۶۰). اگر



منافقان و کسانی که در دل هایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه، [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت به جان آن‌ها انداخته و بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند. [یا کوچ کنند و بروند یا نابود شوند]. امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در این باره می‌فرماید: خدای متعال به پیامبر (ص) می‌گوید: «لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ»؛ (احزاب/ ۳۳) یعنی کسانی که از زیر می‌خواهند ضربه بزنند، می‌خواهند انفجار ایجاد کنند، می‌خواهند مردم را بترسانند، می‌خواهند دل مردم را خالی کنند، می‌خواهند امیدها را از دل‌ها بگیرند، اگر این‌ها بس نکنند، «لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ»؛ ما یعنی خدای متعال تو یعنی پیامبر را به جان این‌ها می‌اندازیم. ببینید لحن قرآن، چطور لحن خشن و غلیظی می‌شود. البته عده‌ای متأسفانه این کار را در سطح جامعه می‌کنند؛ مرتب توی دل‌ها را خالی کردن: آقا تمام شد، آقا بردند، آقا دشمن چنین شد، آقا ارزش‌ها فلان شد! ... در داخل سپاه هم بعضی خوششان می‌آید که مرتب دل این جوانان و این بچه‌های سپاهی و این جوانان پُرشور را سست و ضعیف کنند. چه داعی‌ای برای این کار هست؟ (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰)

ب) ناامیدی از رحمت خدا در امور فردی بدتر از قتل فرزندان پیامبر

حضرت رضا علیه السلام در کتاب عیون اخبار الرضا (ع) در روایتی ناامیدی از رحمت خدا در امور فردی را بدتر از قتل فرزندان پیامبر بر شمرده است. (ابن بابویه، ۱۳۷۸)

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی امید و امیدواری را بس مهم و از نعمت‌های الهی شمرده می‌فرماید: یکی از بزرگ‌ترین نعم الهی، امید و اعتماد به نفسی است که در مردم هست. روح امیدواری، خیلی نعمت بزرگی است. مردم مأیوس، ناامید و بدون افق دید، بی‌صبری می‌کنند؛ نه اینکه کار نمی‌کنند، مانع کار هم می‌شوند؛ ولی مردم امیدوار خودشان جلو جلو می‌دوند و مسئولان را به دنبال خودشان می‌کشاند. (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۳/۲۹) ایشان امیدوار کردن مردم نسبت به آینده را، بزرگ‌ترین جهاد و مأیوس‌سازی را کار دشمنان دانسته، می‌فرماید: امروز بزرگ‌ترین جهاد در میدان تبلیغات، این است که کسی بتواند ملت ایران را به عاقبت و فرجام این راه امیدوار کند. هر کس مردم را ناامید کند، به این ملت خیانت کرده است... می‌گویند: «آقا، وضع اقتصاد خراب است! آقا، دنیا نمی‌گذارد! آقا، امریکا نمی‌گذارد! آقا، مردم ناراحت‌اند!» دائم در گوش مردم این چیزها را می‌خوانند؛ ... یک دروغ مسلّم را می‌خواهند مردم باور کنند! متأسفانه بعضی در داخل، هرچه حرف می‌زنند برای مأیوس کردن مردم است... چرا مردم را مأیوس می‌کنید؟! چرا به این ملت قدرتمند و شجاع، که می‌تواند راه‌های دشوار را برود و دشوارترین بخش راه را هم تاکنون رفته است می‌گویید: «نمی‌توانید به حکومت و جامعه و نظام عادلانه اسلامی برسید!»؟! (بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز میلاد حضرت علی (ع)، ۱۳۷۲/۱۰/۶)

نفس

۴. آثار و برکات کار بست قاعده ایمان، امید و امیدواری

ایمان و امید و امیدواری و آرزوی صادق و واقع‌بینانه از ارزش‌های اسلامی است. امید و آرزو، منشأ نشاط و کار و تلاش



و ناامیدی ریشه بی‌نشاطی و رها کردن میدان کار و تلاش است. رسول خدا (ص) فرمود: «امید و آرزو برای امت من رحمت است. اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی بر نمی‌نشانند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق) در روایت آورده‌اند که عیسی بن‌مریم (ع) نشسته بود و پیرمردی مشغول بیل زدن بود و زمین را می‌کند، عیسی (ع) گفت: بار خدایا از دل او امید و آرزو را بیرون کن! پیرمرد با شنیدن این حرف بیل را یک‌طرف انداخت و خوابید، ساعتی گذشت. عیسی (ع) عرض کرد: بار الها! امید و آرزو را به او بازگردان، دوباره پیرمرد بلند شد و شروع به کار کرد، حضرت عیسی (ع) از علت پرسید؛ جواب داد: وقتی که من مشغول کار بودم، نفسم به من گفت: تا کی کار می‌کنی تو پیرمرد افتاده‌ای! این بود که بیل را انداختم و خوابیدم، بعد دوباره نفسم گفت: به خدا سوگند که تو تا وقتی که هستی احتیاج به زندگی داری، این بود که بیل را برداشتم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق)

۵. کاربردهای قاعده

ایمان، امید و امیدواری قاعده‌ای اصلی و کلی است و قابلیت دارد در همه عرصه‌های زندگی اعم از فردی و اجتماعی، دنیوی و آخروی جلوه و نمود داشته باشد. منظور این است که در همه خیرات باید فقط به حق رجاء واثق و امید و ایمان کامل داشت. از جلوه‌های ایمان و امید در عرصه فردی، می‌توان ایمان و امید به توفیق الهی در امور شخصی در شئون کامل دنیوی و معنوی، همچنین ایمان و امید به بهره‌مندی از فضل و رحمت خدا در دنیا، ایمان و امید به موفقیت در توبه و تبدیل سیئات به حسنات، ایمان و امید به مغفرت گناهان در آخرت و ورود به بهشت، و بالأخره ایمان و امید به رضوان حق و بالاتر لقای الهی اشاره کرد. در عرصه اجتماعی هم؛ ایمان و امید می‌تواند در ایجاد هم‌دلی و وحدت آحاد امت توسط حق، ایمان و امید به موفقیت‌ها و فرج و گشایش از جانب حق، ایمان و امید به نصرت و مدد الهی و پیروزی در جبهه مقابله با دشمن و... تجلی و ظهور یابد. در ادامه هر کدام از عرصه‌ها را با استناد به کتاب و سنت و به‌اجمال مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) عرصه فردی

۱. توفیق الهی

از جمله نمودهای

ایمان و امید، دلبستگی و امیدواری به توفیق الهی در شئون گوناگون زندگی است. انسان مومن و موحد تنها تکیه‌گاه و جایی که توفیق و برطرف شدن موانع از جانب او صادر می‌گردد را خدای قادر متعال دانسته و شعارش این است که: «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود: ۸۸)؛ و نیست توفیق و حرکت موفق‌آمیز من مگر از جانب خدا؛ پس بر او توکل می‌کنم و به سوی او روی می‌سپارم.» امام جواد (ع) مؤمن را در تمامی شئون مادی و معنوی خود محتاج توفیق الهی دانسته، می‌فرماید: «مؤمن هر آینه [و در هر زمینه‌ای] محتاج توفیق از جانب خداست.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۴ق)

از دیگر

۲. فضل و رحمت الهی

جلوه‌های ایمان و امیدواری در زندگی، ایمان و امید به فضل الهی و رحمت اوست. فضل خدا و رحمت بی‌انتهای او همه موجودات هستی را در بر گرفته و البته برای مؤمنان متقی رحمتی ویژه و عنایتی خاص دارد. خود حق تعالی فرموده است:



«وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۱۵۶)؛ و رحمتم همه چیز را فراگرفته است، پس به زودی و قطعاً آن را برای کسانی که [از ظلم و گناه و زشتی] می‌پرهیزند... و به آیاتم ایمان می‌آورند، مقرر می‌دارم. خداوند متعال در اینکه باید فقط به فضل و رحمت الهی امیدوار و شاد بود، خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸)؛ بگو: [این موعظه و هدایت‌ها و عنایت‌ها همه] به فضل و رحمت خداست، پس باید مؤمنان به آن شاد و امیدوار شوند که آن [خدا و رحمتش] از هر چه [عمل صالح و ثروت و...] که جمع می‌کنند، بهتر و برتر است.

۳. امید به موفقیت در توبه و تبدیل سیئات به حسنات

توبه

بنده همیشه موکول به روآوری خدا به او و توفیق‌یابی از جانب اوست. در واقع توبه بنده همیشه در میان دو توبه و روآوری حق قرار دارد. خداوند رحمان درباره متخلفین از جنگ که مورد توبیخ رسول اکرم (ص) قرار گرفته و موفق به توبه شدند، می‌فرماید: «تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (توبه: ۱۱۸)؛ پس خدا به رحمتش بر آنان توجه و رو کرد تا [موفق شوند که] توبه کنند؛ زیرا خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. چنان‌که پیداست در این فقره از آیه سه بار مشتقات کلمه توبه به کار رفته است، دو بار (اول و سوم) درباره خدا و دوم درباره بندگان توبه‌کننده. علامه طباطبایی (ره) گوید: توبه عبد همیشه در میان دو توبه از خدای تعالی قرار دارد، یکی رجوع پروردگار به او، به اینکه به او توفیق و هدایت ارزانی دهد، و بدین وسیله بنده موفق به استغفار که توبه اوست بگردد، و دوم رجوع دیگر خدا به او، به اینکه گناهان او را ببامرزد، و این توبه دوم خدای تعالی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴)

حقیقی و قبول خداوند غفور رحیم، و روآوری بنده به عمل صالح، امید به تبدیل سیئات او به حسنات در دل جان می‌گیرد. چنان‌که می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان: ۷۰)؛ مگر آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، که خدا بدی‌هایشان را به خوبی‌ها تبدیل می‌کند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

۴. امید به مغفرت گناهان در آخرت و ورود به بهشت

از

دیگر جلوه‌های ایمان و امید، ایمان و امید به مغفرت گناهان در آخرت و ورود به بهشت و نعمت‌های بیکران الهی است. حق تعالی می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَكَمْ يَصِرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» (آل عمران: ۱۳۵-۱۳۶)؛ و آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده‌اند، پافشاری نمی‌کنند پاداش آنان آمرزشی است از سوی پروردگارشان، و بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه‌اند؛ و پاداش عمل‌کنندگان نیکوست.



۵. ایمان و امید به رضوان الهی و لقاء او

بالاتر از

همه موارد گذشته، ایمان و امید به رضوان الهی، فوز و کامیابی بزرگ و لقاء اوست. خداوند رحمان به بندگان مؤمن خود وعده داده، می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲)؛ خدا به مردان و زنان باایمان بهشت‌هایی را که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درحالی که در آن جاودانه‌اند، و نیز سراهای پاکیزه‌ای را در بهشت‌های ابدی و هم‌چنین رضوان و رضایتی ویژه از سوی خدا [که از همه آن نعمت‌ها] بزرگ‌تر است وعده داده است؛ این همان کامیابی بزرگ علامه است.

طباطبایی (ره) گوید: معرفت انسان نمی‌تواند حقیقت رضوان و حدود آن را درک کند، ... و حقیقت عبودیت که قرآن کریم بشر را بدان دعوت می‌کند عبودیتی است که به خاطر محبت به خدا انجام شود، ... و بزرگ‌ترین سعادت و رستگاری برای یک نفر عاشق و دوستدار این است که رضایت معشوق خود را جلب کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴) بالاتر از ایمان و امید به خشنودی خدای تعالی، ایمان و امید به ملاقات و رؤیت جمال جمیل اوست و این امید در دل کسی زنده است که با عمل صالح عبودیت و بندگی خود را خالص برای او نموده باشد: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف: ۱۱۰)؛ پس کسی که لقاء پروردگارش را امید دارد، باید کارهای شایسته انجام دهد و در پرستش پروردگارش هیچ کس را شریک نکند.»

ب) عرصه اجتماعی

از جلوه‌های

ایمان و امید به خدای مهربان، امید در عرصه‌های اجتماعی و بهبود زیست جمعی به توفیق الهی است. بعضی از موارد آن به قرار زیر است:

۱. ایمان و امید به ایجاد هم‌دلی و وحدت آحاد امت توسط حق

از

عوامل موفقیت یک جامعه، هم‌دلی، پیوند قلب‌ها، وحدت و روح هم‌افزایی و مشارکت و برادری است. توفیق و بستر این هم‌دلی از جانب خدای تعالی به یک جامعه شایسته، ارزانی می‌شود و آن را در مسیر تعالی و پیشرفت قرار می‌دهد؛ پس باید به خدا امید بست تا این هم‌دلی ایجاد و پایدار شود؛ چنان که حق تعالی می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي آيَدِكُ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَالْأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۶۲ - ۶۳). او کسی است که تو را با یاری خود و به وسیله مؤمنان نیرومند ساخت و میان دل‌هایشان الفت و پیوند برقرار کرد که اگر همه آنچه را در روی زمین است، هزینه می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت و هم‌دلی ایجاد کنی، ولی خدا میان آنان ایجاد الفت کرد؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

جای دیگر می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران: ۱۰۳). و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه با یکدیگر دشمن بودید، پس میان



دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش [تفرقه و اختلاف] بودید پس [با ایجاد روح برادری] شما را از آن نجات داد.

۲. ایمان و امید به موفقیت‌ها و فرج و گشایش از جانب حق، یکی

از جلوه‌های ایمان و امید، ایمان و امید به گشایش الهی و موفقیت بعد از گرفتاری و معضلات است. یک جامعه و امت به صورت طبیعی، درگیر یک سری مشکلات و گرفتاری‌هایی است که یا از ناحیه دشمنان به او تحمیل شده است و یا با سوء مدیریت مدیران پیش آمده است. قاعده ایمان و امید به امت درس امیدواری و استقامت می‌دهد؛ زیرا یک جامعه دینی که معتقد است خداوند توانایی دارد تا هر غمی و اندوه و هر گره بسته‌ای را باز کند همیشه به گشایش الهی بعد از شدت‌ها و گرفتاری‌ها امیدوار است. (طباطبایی، ۱۳۷۴) خداوند تبارک و تعالی، قول پیامبرش را چنین تقریر می‌کند که: «لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷)؛ از رحمت خدا مأیوس نشوید، که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.»

رضا (ع) از قول رسول خدا (ص) می‌فرماید: «برترین اعمال امت من انتظار آنهاست که گشایش الهی حاصل شود.» (علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۴۰۶)

می‌فرماید: «انتظار فرج داشته، از رحمت خدا مأیوس نباشید. همانا دوست‌داشتنی‌ترین اعمال نزد خدا انتظار فرج و باز شدن ابواب رحمت الهی است.» (ابن بابویه، ۱۳۶۲)

۳. ایمان و امید به نصرت و مدد الهی و پیروزی جبهه مقابله با دشمن

خداوند متعال فراوان در قرآن وعده نصرت به مؤمنین و مجاهدان مخلص را داده و ایمان و امید به پیروزی بعد از نصرت الهی را در دل‌ها زنده کرده است. برای نمونه می‌فرماید: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَكَفِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰)؛ و قطعاً و حتماً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می‌دهند، یاری می‌رساند؛ مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.» (بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، ۱۱ / ۱۱ / ۱۳۷۶) در جای دیگر با ایجاد امید و تذکر اینکه دشمنان هم در جنگ آسیب می‌بینند می‌فرماید: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ» (آل عمران: ۱۴۰). اگر [در جنگ] به شما آسیب و جراحتی رسید، آن گروه را نیز آسیب و جراحتی مانند آن رسید. و ما این روزها [ی پیروزی و ناکامی] را [به عنوان امتحان] در میان مردم می‌گردانیم و خدا کسانی را که [از روی حقیقت و خلوص] ایمان آورده‌اند، مشخص کند و از میان شما گواهانی [نسبت به پیروزی‌ها که نتیجه طاعت و تقواست، و شکست‌ها که محصول نافرمانی و بی‌تقوایی است] بگیرد. در جای دیگر با تکیه بر ایمان و امیدی که مجاهدان مؤمن به خدا و نصرت او دارند، می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (آل عمران: ۱۰۴). و در تعقیب و جستجوی دشمن [تا شکست کامل او] سستی نکنید. اگر شما [در رویارویی با دشمن] درد و رنج و زخم و جراحت می‌بینید، آنان نیز چون شما درد و رنج زخم و جراحت



می بینند، و شما چیزی را [چون نصرت حق و پیروزی] از خدا امید دارید که آنان امید ندارند؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. جلوه‌ها و نمودهای رحمت الهی مانند اصل رحمت او بی‌نهایت است و این موارد به‌عنوان نمونه ذکر شد. البته باید توجه کرد که هر امیدی به غیر خدا، امیدی کاذب و بی‌سرانجام است چنان‌که امام سجاد (ع) می‌فرماید: «آنان که رخت به آستان دیگری جز آستان تو کشیدند، نومید شدند... و آنان که در طلب قوت نه به صحرای فضل تو آمدند به قحط‌سالی گرفتار شدند.» (علی بن الحسین (ع)، ۱۳۷۶)

۶. تحقق و اجرا کردن قاعده

و عوامل

۱. ایمان

منظور از ایمان به‌عنوان یکی از عوامل امیدآفرین، باور و اعتقاد به قدرت لایزال الهی است که در وقت خود و حصول شرایط به کمک مؤمنین می‌آید. آری «ایمان است که منبع امید و رجاست، ایمان است که توکل و اعتماد و امیدواری می‌آورد. آدم با ایمان هیچ‌وقت خودش را تک و بی‌مددکار و بی‌غمخوار نمی‌بیند. (مطهری، ۱۳۸۸) خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا (حج: ۳۸)، همانا خدای از مؤمنان دفاع و حمایت می‌کند.» و می‌فرماید: «اللَّهُ وَكِي الَّذِينَ آمَنُوا (بقره: ۲۵۷)؛ خداوند سرپرست و متولی کسانی است که ایمان آورده‌اند.» امام خاмене‌ای مدظله‌العالی می‌فرماید: چون متکی به خدا، متکی به قدرت لایزال، متکی به نعمت بی‌زوال هستید، ایجاد امید است، در شما امید به وجود می‌آید، امید رشد می‌کند، دل شما روشن می‌شود به نور امید. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۷/۵/۲۲) اعتماد به خدا، اکتفا به کفایت الهی، پشت‌گرمی به رحمت و هدایت خدا، مگر می‌گذارد انسان ناامید شود. (بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۳) امام (رضوان الله علیه) - آن مرد خدا، آن حکیم الهی به معنای واقعی کلمه - وقتی خرمشهر آزاد شد، ... فرمود که خرمشهر را خدا آزاد کرد؛ ... معنای این چیست؟ معنای این آن است که اگر شما مجاهدت کردید، قدرت خدا می‌آید پشت شما. لشکر بی‌عقبه، کاری نمی‌تواند بکند؛ لشکری که عقبه دارد، [نیروی] احتیاط دارد، نیروی ذخیره فراوان دارد، همه کار می‌تواند بکند. حالا اگر لشکری عقبه‌اش، ذخیره‌اش عبارت بود از قدرت الهی، این لشکر دیگر شکست‌بخور است؟ امام این را به ما فهماند؛ فهماند که وقتی مجاهدت می‌کنید، وقتی تبلی نمی‌کنید، وقتی وارد میدان می‌شوید، وقتی نیروهای خودتان را به صحنه وارد می‌کنید، اینجا قدرت خداست که پشت سر شماست، [لذا] خرمشهر را خدا آزاد می‌کند. با این منطق، همه دنیای مسخر استکبار را هم خدا می‌تواند آزاد کند. البته قدرت خدا پشت سر آدم‌های تبلی نمی‌آید؛ پشت سر ملت‌هایی که حاضر نیستند فداکاری کنند نمی‌آید. قدرت خدا پشت سر آن کسانی می‌آید که وارد میدان می‌شوند، حرکت می‌کنند، تلاش می‌کنند، خودشان را برای همه کار آماده می‌کنند؛ این‌ها متکی‌اند به قدرت الهی. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (محمد: ۱۱)؛ این آیه قرآن است؛ خدا، مولای شما است؛ شما مولایی دارید که همه عالم وجود تحت قدرت اوست؛ این



مولای شماس و کافرین ندارند. خدا مولای ماست، پشتیبان ماست، قدرت ما متکی به قدرت اوست. (بیانات در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع)، ۳/۳/۱۳۹۵)

۲. باور به رحمت گسترده الهی

از عوامل امیدبخش و اطمینان آور، باور و دل‌بستگی به رحمت گسترده الهی است که خود فرموده: «وَرَحْمَتِي وَسَعَتْ كُلِّ شَيْءٍ» (اعراف: ۱۵۶)؛ و رحمت من واسع و شامل هر چیزی می‌شود و در جای دیگر می‌فرماید: «أَلَمْ يَفْضَلِ اللَّهُ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸)؛ بگو: «به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند. و این از هر چه گرد می‌آورند بهتر است.» باید توجه کرد که نزول رحمت الهی منوط و مشروط به اموری از جانب ماست، اگر ما نیکوکار باشیم آن وقت رحمت الهی در دسترس ما قرار می‌گیرد. که می‌فرماید: «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: ۵۶)؛ رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک و در دسترس آنان است. و اگر اهل هجرت و جهاد در راه خدا و تحمل مصائب میادین نبرد باشیم، نسیم امیدبخش رحمت الهی بر ما می‌وزد. حق تعالی می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸). یقیناً کسانی که ایمان آورده، و آنان که هجرت کرده و در راه خدا به جهاد برخاستند، به رحمت خدا امید دارند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

و می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء: ۱۰۴). [ای مؤمنان مجاهد] و در تعقیب و جستجوی دشمن سستی نکنید. اگر شما [در میدان جهاد و رویارویی با دشمن] درد و رنج می‌بینید، آنان نیز چون شما درد و رنج می‌بینند، درحالی که شما چیزی [نصرت و پیروزی، یا شهادت و لقاء حق] را از خدا امید دارید که آنان امید ندارند؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. امام خامنه‌ای مدظله‌العالی می‌فرماید: مردم باید با تمام قدرت و امیدواری، در راه ایجاد آینده‌ای بهتر تلاش کنند. چرا باید ملت ایران به آینده خود و لطف الهی امیدوار نباشد؛ درحالی که تمام رویدادها... حاکی از لطف بی‌حد و حصر پروردگار نسبت به ما بوده است؟... بارها گفته‌ام که آینده را بسیار خوب و روشن و امیدبخش و بهتر از گذشته مشاهده می‌کنم. خدای متعال به پیامبر خود فرمود: «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى» (ضحی: ۴) یعنی وضعیت آینده تو بهتر از گذشته خواهد بود. امام عزیز و بزرگوار نیز همیشه همین احساس را داشتند. در یکی از تصمیم‌هایی که اتخاذ کرده بودند، عرض کردم تصمیمی که شما گرفتید، خیلی به نفع اسلام و جمهوری اسلامی تمام شد. ایشان فرمودند: گمان نکنید این کاری که اتفاق افتاد، قبلاً آن را پیش‌بینی کرده بودم؛ این، کار خدا و کمک او بود. بعد فرمودند: از اول انقلاب تا کنون و در مراحل مختلف، گویی دست قدرتمندی هدایت ما را بر عهده دارد. حقیقتاً انسان احساس می‌کند که دست قدرت پروردگار، ملت و مسئولان ما را هدایت و کمک می‌کند. البته دست حمایت الهی، بی‌دلیل بر سر ملتی کشیده نمی‌شود. علت اینکه خدای متعال لطف خود



را شامل حال این ملت کرده و آن‌ها را هدایت می‌کند، ایمان و عمل صالح مردم است. وقتی این دو عنصر در شخص یا ملتی به وجود آمد، خدا هم او را کمک خواهد کرد. (بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۴/۱۰)

۳. باور به همراهی و معیت الهی

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد امید و ماندن در میدان مجاهدت باور به همراهی و معیت الهی و رسیدن مدد او در وقت اضطرار بندگان است. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل: ۲۸)؛ در حقیقت، خدا با کسانی است که تقوا داشته‌اند و [همراه و مددکار] کسانی است که آن‌ها نیکوکارند. امام خامنه‌ای مدظله‌العالی با توجه به فرهنگ قرآن، باورمندی به معیت و همراهی خدا و لزوم امیدواری به مدد الهی را این گونه ترسیم می‌کنند: من یک مثال برای شما از قرآن و از تاریخ قرآنی بزنم: خدای متعال موسی و هارون را مأمور کرد که بروند به سراغ فرعون، خب خیلی کار عظیمی بود که دو نفر آدم تنها، بروند به مقابله و معارضه با یک قدرت عظیم آن روز؛ قدرت فرعون، یک قدرت بسیار عظیمی بود - از لحاظ سیاسی، از لحاظ اجتماعی، حتی از لحاظ نفوذ در مردم، از لحاظ تأسیسات اداری، که تفصیلی دارد قدرت فرعون - یک چیز عجیبی بود فرعون؛ یک قدرت مستبد فعال مایشاء؛ با آن همه امکانات؛ خدای متعال دو نفر را مأمور می‌کند که بروید شما با این آدم معارضه کنید و مبارزه کنید. حضرت موسی عرض کرد: پروردگارا! ممکن است برویم، ما را مثلاً بکشند، به قتل برسانند، کارمان نصفه کاره بماند - از کشتن نمی‌ترسیدند، گفتند کار نصفه کاره می‌ماند - قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى، (طه/۴۶) [خدا گفت] من با شما هستم. ببینید معیت الهی این است: إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى. اینکه خدا می‌گوید «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا» - که من عرض می‌کنم اگر من و شما تقوا داشته باشیم خدا با ماست - این معیت الهی و با ما بودن خدا، معنایش این است که می‌توان دو نفر آدم تنهای دست خالی را فرستاد به جنگ یک فرعون.

حضرت موسی... وقتی که کارشان به معارضه و رودرویی علنی افتاد و بنی اسرائیل را جمع کرد که سحر، [یعنی] صبحگاه خیلی زود یا نیمه شب، حرکت کردند به بیرون شهر که فرار کنند و بروند و از دست فرعون خلاص بشوند، صبح که شد و یک مقداری روز بالا آمد، جاسوس‌های فرعون خبر دادند که بنی اسرائیل شهر را خالی کرده‌اند و همه رفته‌اند؛ فرعون دستپاچه شد که اینها حالا می‌روند یک‌جای دیگر و یک هسته‌ای درست می‌کنند؛ گفت جمع بشوید. لشکر را جمع کردند و پشت سر اینها راه افتادند؛ حالا چقدر فاصله شده من نمی‌دانم، شاید یک روز یا دو روز یا کمتر یا بیشتر فاصله شده که این لشکر راه افتاده است. خب، آن‌ها پیاده داشتند بدون تجهیزات می‌رفتند - یک مشت مردم بودند؛ زن، مرد، بچه - [اما] اینها با تجهیزات و سپاه و لشکر و اسب و همه چیز؛ طبعاً زود به آن‌ها می‌رسیدند؛ به آن‌ها [هم] رسیدند. اصحاب موسی از دور دیدند که وای! لشکر فرعون دارد می‌آید؛ دستپاچه شدند. در قرآن - سوره شعرا - می‌فرماید که «فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ» وقتی که دو گروه یعنی گروه حضرت موسی که جلو می‌رفتند و گروه فرعون که پشت سر می‌آمدند، همدیگر را از دور دیدند و این قدر به هم نزدیک شدند که می‌توانستند یکدیگر را ببینند، قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ؛ (طه/۶۲)



بنی اسرائیل که با موسی بودند، خوفشان برداشت، گفتند که یا موسی! الآن به ما می‌رسند؛ «مدرکون» یعنی الآن آن‌ها می‌رسند، ما را می‌گیرند و قتل‌عام می‌کنند. موسی چه جواب داد؟ حضرت موسی در جواب گفت: قال کلاً، هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد؛ چرا؟ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي؛ معیت این است. [گفت] خدا با من است، پروردگار من با من است؛ کلاً إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ. (همان/۶۲) ببینید! معیت الهی این قدر اهمیت دارد. اینکه می‌گویند: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ، (نحل/۱۲۸) این معیت را باید قدر دانست. اگر من و شما بتوانیم این معیت الهی را حفظ کنیم، بدانید آمریکا که هیچ، اگر ده برابر قدرت آمریکا هم کسانی در دنیا نیرو داشته باشند، این نیرویی که خدا با او است، بر آن‌ها غلبه خواهد کرد. (بیانات در دیدار بسیجیان، ۳/۹/۱۳۹۵)

۴. باور به لطف و فضل الهی

لطف و فضل

الهی از عوامل مهم امید و امیدواری انسان‌های مؤمن است. خدای تبارک و تعالی وعده فضل و بخشش و عنایت خود را در مقابل وعده‌های نومیدکننده شیطانی به ما گوشزد می‌کند. حق تعالی می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۶۸)، شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد؛ و [لی] خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و فضل و لطف خود را می‌دهد، و خداوند گشایشگر داناست. امام خامنه‌ای مدظله‌العالی با توجه به امیدواری به فضل و لطف الهی می‌فرماید انسان نشانه‌هایی را می‌بیند، بشارت‌هایی می‌بیند، که هر چه بعضی افراد به آدم توصیه می‌کنند که امیدوار نباشد، می‌بینم نمی‌شود! خدای متعال امیدها را در مقابل من قرار می‌دهد، چطور به فضل پروردگار امیدوار نباشیم؟! «أَلَمْ يَفْضَلِ اللَّهُ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸) مسلمانان باید فرح و سرور به فضل پروردگار و رحمت الهی داشته باشند، چرا خوشحال نباشیم؟! من به فضل خدا، آینده را خوب می‌بینم. (فروغی جهرمی، ۱۳۹۱) مردم باید با تمام قدرت و امیدواری، در راه ایجاد آینده‌ای بهتر تلاش کنند. چرا باید ملت ایران به آینده خود و لطف الهی امیدوار نباشد؛ درحالی که تمام رویدادها... حاکی از لطف بی‌حد و حصر پروردگار نسبت به ما بوده است؟... بارها گفته‌ام که آینده را بسیار خوب و روشن و امیدبخش و بهتر از گذشته مشاهده می‌کنم. خدای متعال به پیامبر خود فرمود: «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى»؛ (ضحی/۴) یعنی وضعیت آینده تو بهتر از گذشته خواهد بود. (بیانات در بیعت اقشار مختلف مردم، ۱۰/۴/۱۳۶۸)

۵. باور به رزق ما لایحتسب

از عوامل بس

مهم برای استحکام قلب و امیدواری دل، باور به رزق ما لایحتسب از جانب حضرت حق و گشایش ابوابی از لطف الهی در جاهایی است که به تصور و اندیشه ما نیامده و برای آن حسابی باز نکرده‌ایم. امام صادق (ع) می‌فرمود: به آنچه امیدش را نداری امیدوارتر باش از آنچه بدان امیدواری؛ زیرا موسی رفت تا برای عیالش (که در سرما گرفتار بود) آتشی برای گرم کردن او بیاورد، اما برگشت درحالی که پیامبری مرسل بود. [و با نور نبوت دنیا را نورانی نمود]. (کلینی، ۱۴۰۷ق) امام خامنه‌ای مدظله‌العالی با توجه به گشایش‌های ابوابی حساب نشده از جانب خدا می‌فرماید: درست است که محاسبات



عقلانی و مادی، تأثیرگذارند، در این شکی نیست، و لازم‌اند. هیچ آموزشی از آموزش‌های اسلام به ما نمی‌گوید که محاسبات عقلانی نکنید، محاسبات فکری و مادی انجام ندهید؛ نه، حتماً باید محاسبه کرد. اما یک جایی هم باز بگذارید برای محاسباتی فراتر از مسائل مادی؛ فراتر از آنچه به عقل انسان می‌رسد؛ این، رزق لایحساب است؛ این همان چیزی است که محاسبه نشده است و به ما می‌رسد؛ این در همه‌ی محاسبات ما وجود دارد؛ در همه کارهای جبهه مؤمن، این را باید رعایت کرد و در نظر داشت و انتظارش را داشت. در دعا می‌خوانیم: *یا مَنْ إِذَا تَضَائِقَتِ الْأُمُورَ فَتَحَ لَهَا بَاباً لَمْ تَذْهَبِ إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ*؛ وقتی کارها گره می‌خورد، وقتی به حسب ظاهر بن بست به وجود می‌آید، گاهی خدای متعال از یک گوشه‌ی این بن بست یک راهی باز می‌کند که *لَمْ تَذْهَبِ إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ* - هرگز وهم بشر و اندیشه‌ی انسانی به آن نرسیده بود؛ چنین چیزی وجود دارد. یک نمونه‌اش جنگ تحمیلی است... اگر مؤمن باشیم، اگر در ذیل عنایت توکل به خدا و امید به خدا عقلانیت را به کار بیندازیم، آن وقت این باب برای ما باز خواهد شد؛ نه اینکه عقلانیت را تعطیل کنیم، نه اینکه محاسبات مادی را کنار بگذاریم؛ نه، همه اینها لازم است و ما هم همیشه تأکید می‌کنیم، اما در کنار این، یک جایی بگذارید برای مدد الهی؛ اگر چنانچه اهل توکل به خدا هستیم، اهل امید به خدا هستیم (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۵/۱۱/۱۹)

۶. توکل و اعتماد به خدا

از لوازم

تقویت ایمان و امیدساز و اطمینان بخش اعتماد و توکل بر خدای سبحان است. مصادر امور و سررشته مسائل همه به دست خداست و خود فرموده کسی که بر او توکل کند، خدایش کافی و بسنده است: *«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدراً»* (طلاق: ۲-۳)؛ و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. همانا خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است.

می‌فرماید: بار خدایا... تو حاضرترین کسانی هستی که از اعتماد کنندگان و متوکلین بر خودت حمایت می‌کنی... اگر مصایبی بی‌شمار هم بر سر آنان فرو ریزد، تنها به تو پناه می‌آورند؛ زیرا یقین دارند که زمام همه امور در دست تو و از مصدر خواست و مشیت تو صادر می‌گردد. (شریف رضی، ۱۴۱۴ق)

فرمود: «بهترین سرمایه اعتماد و توکل به خدا و یأس و دل‌بریدن از سرمایه‌ها و فرصت‌های در دست دیگران است.» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق)

۷. انقطاع الی الله و قطع امید از غیر خدا

از

عوامل بسیار تأثیرگذار بر وصول به ایمان و امید، آرامش روح و گرمی دل، انقطاع به سوی خدا و قطع نظر از مخلوق و بریدن هر نوع طمع و دل‌بستگی به مردم است. بر قطع طمع و بریدن از غیر و انقطاع الی الله در کتاب و سنت تأکید بسیار



شده و در بسیاری از احادیث به آن پرداخته‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: *ما يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكٍ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* (فاطر/۲). هر رحمتی را که خدا برای مردم گشاید، بازدارنده‌ای برای آن نیست، و آنچه را که باز دارد، پس از [باز گرفتن] گشاینده‌ای ندارد، و او همان شکست‌ناپذیر سنجیده کار است. *وَإِنْ يُمْسِكِ اللَّهُ بَصْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَرِدْكَ بَخِيرٌ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ* (یونس/۱۰۷). و اگر خدا به تو زیانی برساند، آن را برطرف کننده‌ای جز او نیست، و اگر برای تو خیری بخواهد، بخشش او را رد کننده‌ای نیست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند، و او آمرزنده مهربان است. امام علی (ع) می‌فرماید: خداوند بلندمرتبه بزرگ می‌فرماید: امید خود را فقط به تفضل بس نیکوی او متصل کن... و از همه کس و همه چیز به سوی خدا منقطع و قطع امید کن، همانا خدای سبحان می‌فرماید: قسم به عزت و جلالم حتماً و حتماً امید کسی را که به غیر من دل ببندد قطع و به یأس تبدیل می‌کنم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق) آن امام متقین (ع) همچنین فرمود: «هر چه امید دارید به خدای سبحان داشته باشید و به کسی جز او امید مبنید؛ زیرا هیچ کس به غیر خداوند متعال امید نبست مگر آنکه ناامید برگشت.» (خوانساری، ۱۳۶۶)

«پدرم حسین (ع) از رسول خدا (ص) روایت کردند که گفت، خدای عزوجل فرموده‌اند: حتماً و حتماً کسی که به غیر من امید بندد، امیدش را به یأس و حرمان تبدیل می‌کنم.» (علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۴۰۶ق) امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در یکی از خاطرات خود، ثمره انقطاع از غیر و توجه به حق تعالی و آرامش پس از آن را چنین حکایت می‌کنند: یکی از خاطرات من از این زندان (زندان نوبت پنجم که در ششم بهمن ۱۳۵۰ صورت گرفت)، ماجرای تراشیدن ریش است! محاسن، گذشته از اینکه یک سنت متبع است، بخش تفکیک‌ناپذیری از لباس علمی و دینی روحانیون نیز به شمار می‌رود. تراشیدن ریش در زندان‌های مشهد معمول نبود. در این زندان دیدم محاسن یکی از علما تراشیده شده، لذا دریافتم که محاسن من نیز چه سرنوشتی خواهد داشت. روز خاصی از هفته برای اصلاح تعیین شده بود. آن روز فرا رسید. من صدای خارج شدن زندانیان را که یکی یکی به اتاق اصلاح می‌رفتند، می‌شنیدم... و کمی بعد هم نوبت من می‌رسید. چه باید بکنم؟ تسلیم شوم؟ یا مقاومت کنم؟ با دعا و تضرع از خدا خواستم فرجی برایم برساند. نوبت من رسید. در سلول باز شد. همین که نگاه رئیس زندان به من افتاد، گفت: بمان. و در بسته شد! من انتظار این را نداشتم. خدا را شکر کردم. این جریان، هر هفته تکرار می‌شد؛ برای تراشیدن ریش، از من می‌گذشتند. و من تنها کسی بودم که از این امر معاف شدم!

... در یکی از سلول‌های این زندان دوستی روحانی بود که از من سن بیشتری داشت و به شدت گرفتار بیماری حسد بود؛ که خداوند ما را از شر این بیماری حفظ کند. نوبت تراشیدن ریش او رسید. او مطلع شده بود که من از آن معاف شده‌ام. در سلول او را باز کردند تا او را برای تراشیدن ریش ببرند. من صدایش را می‌شنیدم که می‌گفت: من حاضر نیستم صورتم را بتراشید. چرا ریش زندانی سلول چهارده (یعنی من) را نمی‌تراشید؟! همچنان پی‌درپی نسبت به تراشیدن محاسنش اعتراض می‌کرد. و دلیلش برای اعتراض هم این بود که من از آن معاف شده‌ام! خیلی متأثر شدم و از چنین رفتاری که مرا به خطر



می‌انداخت، تعجب کردم. او حق داشت اعتراض کند، و حق داشت هر نوع دلیلی برای اعتراضش بیاورد؛ اما چرا مرا به خطر می‌انداخت؟ بار دیگر هم به نگهبان گفتم: برو به مسئولین بگو زندانی سلول چهارده برای تراشیدن ریش نمی‌آید، پس من هم نمی‌آیم!

شدم و به خدا توسل کردم که محاسنم را حفظ کند. اندکی بعد مسئول زندان آمد، در سلول شیخ را باز کرد و او را با ناسزا و توهین برای تراشیدن صورتش برد. دیگر زندانیان را نیز یکی پس از دیگری بیرون آوردند. من پیش‌بینی می‌کردم که این بار - بعد از رفتار آن شیخ - از من نگذرند؛ اما این بار هم وقتی به سلول من رسیدند، از آن گذشتند و به سراغ سلول بعدی من رفتند! نفس راحتی کشیدم و خداوند متعال را سپاس گفتم. (آذرشب، ۱۳۹۸)

معظم‌له حکایتی هم از دل‌بستگی به غیرخدا و غفلت از توجه و توکل بر خدا و محرومیت و یأس از رسیدن به مقصد مورد نظر را چنین حکایت می‌کنند: یکی از خاطرات من از اولین زندان که در بیرجند دستگیر و با فاصله ۵۴۰ کیلومتر یکسره مرا به مشهد آوردند و شب اول بسیار به من بد گذشت و در روز نخست ریش مرا زدند، سه روز پس از بازداشت، یکی از افسران زندان آمد و گفت: فردا آزاد می‌شوی. از این خبر تعجب کردم و به خود گفتم: شاید یکی از دوستان نزد فردی که با رژیم مرتبط است، برای آزادی من وساطت کرده است. درحالی که به این موضوع فکر می‌کردم، به قرآن تفأل زدم و این آیه کریمه آمد: «فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (یس: ۵۰)؛ آنگاه نه توانایی وصیتی دارند و نه می‌توانند به سوی کسان خود برگردند.» روز بعد و روزهای بعد فرا رسید، ولی من آزاد نشدم. (آذرشب، ۱۳۹۸)

شناخت و

۸. شناخت و به‌کارگیری صحیح سنت‌های الهی

به‌کارگیری صحیح سنت‌های الهی یکی از الزامات محوری و اصلی ایمان، امید و امیدواری است. خداوند متعال ربوبیت و تدبیر خود را در امور عالم و آدم از مجرای سنت‌هایش اعمال می‌کند و هرچقدر ما با این سنت‌ها و تدابیر بیشتر همسو شویم امید تحقق اهداف و آرمان‌هایمان بیشتر می‌گردد. مرحوم محمدباقر صدر می‌نویسد: هرچقدر کارها و برنامه‌های ما منطبق و هماهنگ با سنت‌های الهی باشد امید به موفقیت و پیروزی بیشتر است؛ زیرا «سنن الهی مجرای جریان اراده، تدبیر و حکمت خداوند در هستی است.» (شهیدصدر، ۱۳۸۱)

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در این باره می‌فرماید: راهی که ما در آن حرکت می‌کنیم، راه امید است؛ زیرا که راه خدا و قوانین [سنت‌های] الهی طبیعت است... ما طبق همان قوانینی حرکت می‌کنیم که رسول اکرم (ص) در سخت‌ترین دوران زندگی، به اتکای آن قوانین احساس امیدواری می‌کرد. همان روزی که تمام قومش در مکه او را محاصره کرده بودند و حتی جاننش در خطر بود و نمی‌گذاشتند در خانه‌اش زندگی بکند و مجبور بود یک روز به طائف و یک روز به شعب‌ابی طالب برود، [باز امیدوار بود]... ما هم که به اتکای همین قوانین حرکت می‌کنیم، چرا امیدوار نباشیم؟ او توانست و ما هم خواهیم توانست. او توانست تاریخ را عوض کند و صدها سال دنیا را تحت تأثیر احکام و نظام خود قرار بدهد؛ ما هم دنباله همان راهیم و خواهیم توانست. چرا ملت ایران امیدوار نباشند؟ (بیانات در دیدار با جمع کثیری از پاسداران، ۱۰/۱۲/۱۳۶۸) همچنین می‌فرماید:



مردان خدا تاریخ را متحول می کنند. آن‌ها با امید به خدا و با خشیت از پروردگار، ناممکن‌ها را ممکن می کنند... آن‌ها همه قوانین طبیعت را- که دست قدرتمند الهی سررشته‌دار آن‌هاست- در خدمت هدف‌های خود می بینند و با توکل به خدا حرکت می کنند؛ لذا دنیایی را متحول می کنند. امام بزرگوار ما از زمره چنین مردانی بود. (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۴/۳/۱۳۸۴)

۹. استقامت و ثبات قدم

یکی از الزامات

وصول به امید و دل آرامی، استقامت و ثبات و پایداری در راه خداست. ثبات و دوام و استقامت آنست که هر آنچه را که عزم و وفا نمود، بر آن ثبات ورزد و از آن تخلف نکند، حق تعالی می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخْفُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰)؛ در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس [بر این عقیده] ایستادگی کردند، فرشتگان [رحمت و بشارت] بر آنان فرود می آیند [و می گویند: «هان، بیم مدارید و غمین م باشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. راه

خدا از ناملایمات، سختی‌ها، جفاها، ملامت‌ها و امتحانات مملو است و سالک باید با استعانت از پروردگار نترسد و نهراسد و رنگ نبازد و سست و کم‌انگیزه نشود و این البته دشوار است. خداوند در سوره هود به پیامبر دستور داد: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود/۱۱۲)؛ «پس همان‌گونه که دستور یافته‌ای به همراه هر که با تو توبه کرده است و به سوی حق بازگشته است، ایستادگی کن.» این دستور آن قدر بر پیامبر سنگین بود که فرمود: «شِيبَتِي هُود» (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۲)؛ «سوره هود مرا پیر کرد.»

۱۰. اعتقاد به مهدویت و دولت مهدوی (عج)

از عوامل

مهم امیدآفرین، اعتقاد به مهدویت و انتظار تحقق دولت مهدوی (عج) می باشد. امام علی (ع) می فرماید: «منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید. همانا دوست‌داشتنی‌ترین اعمال نزد خدا انتظار فرج و باز شدن ابواب رحمت الهی [با ظهور دولت یار] است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶)

بر اعتقاد به مهدویت به‌عنوان عاملی بزرگ در امیدآفرینی تأکید کرده، می فرماید: بزرگ‌ترین خاصیت این اعتقاد [به مهدویت و دولت مهدوی عج] در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. یک نفر معتقد به مسئله مهدویت طبق اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمی‌داند و شعله امید همواره وجود دارد؛ می‌داند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد شد؛ این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است. (بیانات در مراسم سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴/۳/۱۳۹۴)

دیگری می فرماید: انتظار، یکی از پُربُرت‌ترین حالات انسان است؛ آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد. «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً». (مجلسی، ۱۴۰۳ق) خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه روی زمین را از عدالت و



دادگستری پُر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت... . انتظار، چیز عجیبی است و دارای ابعاد گوناگونی می باشد. یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مایوس نبودن است... . اعتماد، لازمه انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است و امروز این امید، امری لازم برای همه ملت ها و مردم دنیا می باشد. (بیانات در دیدار با مسئولان و کارکنان برخی وزارتخانه ها، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲)

۱.۱. رهبری انقلاب و رهنمودهای امیدآفرین به ویژه در بیانیه گام دوم

از عوامل مهم و محوری در ایمان و امید و امیدآفرینی وجود رهبری فرزانه و حکیم است که با رهنمودهای مستمر خود، روح امید را در دل و جان ملت دمیده و با توطئه های گوناگون دشمن برای مایوس نمودن مردم مقابله ای لحظه به لحظه دارند. بیانات و توصیه های امام خامنه ای مدظله العالی در مقوله ایمان و امید و امیدواری ملت ایران و تکیه بر مبانی امیدآفرین خود کتابی قطور و افزون از شمار است.

اسلامی عموماً و ملت سرافراز ایران به خصوص به داشتن روح امید و امیدواری نیازمند است. امید «کلید همه قفل های بسته» و روح های خسته و سرمنشأ نشاط و تلاش و فعالیت در همه میدان ها است. رهبری حکیم انقلاب به درستی ضرورت و اهمیت امید و امیدآفرینی را دریافته و همواره و در هر سخن و بیانی بر آن تأکید و توصیه می کنند. به ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که می توان گفت امید و امیدآفرینی روح این بیانیه، جهت گیری اساسی آن و از دلایل اصلی صدور بیانیه است. کلمه امید ۱۵ بار در این بیانیه تکرار شده است. از نخستین جمله و فراز بیانیه تا آخرین قسمت و فرازهای آن می توان توجه به امیدآفرینی و یأس زدایی را صراحتاً مشاهده کرد. هر کس با تأمل بیانیه گام دوم را بخواند به درستی متوجه می شود که بیانیه با تکیه و تأکید بر دستاوردهای بسیار فراوان انقلاب و سرمایه های انسانی و طبیعی موجود و فرصت های بس ارزشمند نه تنها جای هیچ گونه ناامیدی نیست که باید با گردنی افراشته به انقلاب و نظام اسلامی افتخار کرد و البته مشکلات انکارناپذیر ناشی از ضعف مدیریت مدیران و عوامل دیگر را با روحیه جهادی و مدیریت انقلابی می توان علاج کرد. ایشان در جمع بندی کلی و بخش پایانی بیانیه و آنجا که به توصیه های هفتگانه راهبردی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی می پردازند، می فرماید: اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه هایی می کنم. این سرفصل ها عبارت اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. (حسینی خامنه ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷)

اما مطلب را به گونه ای ادامه می دهند که معلوم می شود امیدآفرینی و یأس زدایی و نگاه خوش بینانه به آینده، روح و جهت گیری کلان بیانیه و اصل اساسی در صدور این بیانیه است؛ زیرا قبل از تبیین هفت راهبرد کلان می نویسد: اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل ها، هیچ گامی نمی توان برداشت. آنچه می گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت های عینی است. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته ام و برحذر می دارم. در طول این چهل سال



– اکنون مانند همیشه – سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست. (حسینی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷) چنان‌که در متن مذکور پیداست نخستین توصیه مقدم بر توصیه‌های هفتگانه را امید و امیدآفرینی دانسته و عبارات «کلید اساسی همه قفل‌ها»، «بدون امید هیچ گامی نمی‌توان برداشت»، «ایجاد امید نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست» و... جایگاه مقوله امید و امیدآفرینی را در صدر مسائل و مباحث بیانیه قرار داده‌اند.

ب) موانع و آفات

امید و امیدواری

همچنان‌که دارای الزامات و عواملی است، دارای موانع و آفاتی نیز می‌باشد. موانع امید هم فردی و مربوط به حالات هر شخصی است و هم اجتماعی و ناظر بر احوال جامعه است.

۱. ناامیدی از رحمت الهی: مهم‌ترین مانع امیدواری، ناامید شدن از رحمت خدا و بریدن از حق و فراموشی الطاف و رحمت بیکران خداست. امام علی (ع) می‌فرماید: «بزرگ‌ترین بلا بریده شدن امید از درگاه حق تعالی است.» (جمال خوانساری، ۱۳۶۶)

۲. امیدواری بدون عمل: از آفات مهم امیدواری، امیدهای کاذب و بی‌اساس است. سعادت‌مندی جز از مسیر عمل صالح به دست نمی‌آید. ولی بسیاری افراد که بدون تلاش و کوشش، مدعی امیدواری به سرانجام نیک هستند. امام علی (ع) می‌فرماید: «از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است.» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق)

۳. احساس ایمنی از مکر خداوند: زیاده‌روی در امیدواری به بخشش و رحمت الهی، موجب احساس ایمنی از مکر او می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (اعراف: ۹۹)؛ آیا آن‌ها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟! درحالی‌که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند.»

۴. دشمنان: دشمنان بشریت و ارزش‌های الهی، بزرگ‌ترین یأس‌آفرینان و موانع امید و آرامش جوامع انسانی هستند. دشمنان اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز به انحاء مختلف و شیوه‌های گوناگون درصدد گرفتن امید مردم و مایوس‌سازی آنان و جدا کردن آن‌ها از نظام اسلامی هستند. دشمنان با شایع‌افکنی، سیاه‌نمایی، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک کردن یا کتمان موفقیت‌های بزرگ، شبهه‌افکنی، دروغ‌پردازی و تکرار آن و روایت دروغین از واقعیت‌های انقلاب و نظام اسلامی درصدد مایوس کردن و جداسازی مردم از این نظام الهی هستند. باید با جهاد تبیین به میدان جنگ روایت‌ها آمده



و با بیان مستدل حقایق و مستندسازی دستاوردهای انقلاب، روح امید را برای همیشه در مردم زنده نگه داشت که ناامیدی کشنده و ویرانگر است.

نتیجه گیری

۱- یکی از اصول و قواعد مهم در عرصه جهاد تبیین قاعده ایمان، امید و امیدآفرینی می باشد. ایمان و امید و در نتیجه آن امیدآفرینی رابطه تنگاتنگی باهم دارند؛ چون ایمان بدون امید هیچ ارزشی ندارد و امید به خدای متعال نیز بدون ایمان متصور نیست. یکی از مفاهیم و کلمات کلیدی در فرمایشات مقام معظم ایمان و امید می باشد که در بیاناتشان در مراسم ارتحال حضرت امام خمینی (ره) علیه آنها را از ویژگیهای برجسته بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران برشمردند. و «ایمان» و «امید» امام، را عامل نرم افزاری و بوجود آورندهی این تحولات عظیم تاریخی دانستند.

۲- ایمان از مفاهیم کانونی ادیان الهی از جمله اسلام می باشد که نقش تعیین کننده ای در سعادت انسان دارد. ایمان در دو معنا به کار رفته است: ۱- اعتقاد به امامت و ولایت ائمه دوازده گانه ۲- در کلمات فقها گاهی ایمان به معنای اسلام نیز آمده است. ایمان عبارت است از سکون و آرامش علم خاص در نفس، نسبت به هر چیزی که ایمان به آن تعلق گرفته و لازمه این آرامش، التزام عملی نسبت به آن چیز است که به آن ایمان دارد. امید در زبان عربی و فرهنگ دینی با کلمه «رجا» و در مقابل آن واژه های «یأس» و «قنوط» به معنای ناامیدی و تشویش خاطر و اضطراب نفس آمده است.

۳- مستندات این قاعده آیات متعددی از قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام می باشد. از آنجا که روش قرآن، این است که روح امید و امیدواری را در انسان زنده نگه دارد؛ همیشه، درها را به روی کافران و گنهکاران باز می گذارد، تا در هر مرحله ای از فساد و آلودگی که باشند بتوانند به راه حق برگردند.

۴- در اهمیت ایمان و امید و امیدآفرینی می توان گفت که ناامید کردن مردم از آینده و رحمت الهی در جامعه بزرگ ترین گناه و ناامیدی از رحمت خدا در امور فردی بدتر از قتل فرزندان پیامبر است.

۵- این قاعده آثار و برکات فراوانی دارد با این توضیح که نفس ایمان و امید و امیدواری و آرزوی صادق و واقع بینانه از ارزش های اسلامی است. امید و آرزو، منشأ نشاط و کار و تلاش و ناامیدی ریشه بی نشاطی و رها کردن میدان کار و تلاش است. ظرف کاربست و بکارگیری این قاعده عرصه های فردی و اجتماعی زندگی انسان است. مواردی که در عرصه فردی می توان برشمرد عبارتند از: توفیق الهی، فضل و رحمت الهی، امید به موفقیت در توبه و تبدیل سیئات به حسنات، امید به مغفرت گناهان در آخرت و ورود به بهشت، ایمان و امید به رضوان الهی و لقاء او. از جلوه های ایمان و امید به خدای مهربان، امید در عرصه های اجتماعی و بهبود زیست جمعی به توفیق الهی است. مواردی که در عرصه اجتماعی قابل تصور است عبارتند از: ایمان و امید به ایجاد هم دلی و وحدت آحاد امت توسط حق، ایمان و امید به موفقیت ها و فرج و گشایش از جانب حق، ایمان و امید به نصرت و مدد الهی و پیروزی جبهه مقابله با دشمن.



۶- تحقق و اجرای قاعده براساس فرمایشات مقام معظم رهبری الزامات و عواملی دارد که؛ ایمان، باور به رحمت گسترده الهی، باور به همراهی و معیت الهی، باور به لطف و فضل الهی، باور به رزق مالایحتسب، توکل و اعتماد به خدا، انقطاع الی الله و قطع امید از غیر خدا، شناخت و به کارگیری صحیح سنت‌های الهی، استقامت و ثبات قدم، اعتقاد به مهدویت و دولت مهدوی (عج) و در نهایت رهبری انقلاب و رهنمودهای امیدآفرین به ویژه در بیانیه گام دوم از جمله این عوامل و الزامات می باشد.

۷- با توجه به اینکه جهان آفرینش محل بروز و ظهور تضادها و تقابلات است ایمان و امید و امیدواری نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست بنابراین؛ موانع و آفاتی در تقابل با آن وجود دارد، ناامیدی از رحمت الهی، امیدواری بدون عمل، احساس ایمنی از مکر الهی و دشمنان از حمله این موانع و آفتها می باشد.



فهرست منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه (صبحی صالح)، محمد بن حسین شریف الرضی، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید. شرح نهج البلاغه، دارالکتب العلمیه، منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی. الخصال، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ ق.
- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ ق
- آذرشب، محمد علی. خون دلی که لعل شد، (خاطرات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی از زندان ها و تبعید دوران مبارزات انقلاب اسلامی)، مترجم: محمد حسین باتمان قلیچ، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
- انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
- پاینده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جمال خوانساری، محمد بن حسین. شرح غررالحکم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین. معادشناسی، تهران، نشر علامه طباطبایی (نور ملکوت قرآن)، ۱۳۸۷.
- حسینی خامنه ای، سید علی. بیانات، قابل دسترسی در پایگاه farsi.khamenei.ir.
- خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۸۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۲.
- صدر، محمد باقر. سنت های الهی در قرآن، ترجمه سید جمال الدین موسوی اصفهانی، تهران، نشر تفاهم، ۱۳۸۱.
- طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد باقر موسوی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق
- علی بن الحسین، امام سجاد (ع). صحیفه سجاده، قم، الهادی، ۱۳۷۶.
- علی بن موسی الرضا (ع). صحیفه الإمام الرضا (ع)، مشهد، کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۴۰۶ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، نشر هجرت، قم - ایران، ۱۴۱۰ هـ ق
- فروغی جهرمی، محمد قاسم. سپاه مولود انقلاب، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روابط عمومی و انتشارات، ۱۳۹۱.
- قرائتی، محسن. تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ ق.



مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷.
مطهری، مرتضی. مجموعه آثار، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۸.